

چکیده

حاکمیت شرکتی ساختاری فراهم می آورد که از آن طریق اهداف شرکت تنظیم، و ابزار نیل به اهداف، تعریف و روش های نظارت بر عملکرد، تعیین می شود. ریسک پذیری، تحمل ریسک یا اشتباهی پذیرش ریسک، یک معیار مشخص است که نشان می دهد شما مایل هستید تا چه مقدار ریسک برای یک سطح پیش بینی شده از سود در سرمایه گذاری هایتان بپذیرید. در این پژوهش سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا بین ساختار هیئت مدیره و ریسک پذیری شرکت های پذیرفته شد در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط وجود دارد؟ اثر این ارتباط بر ریسک پذیری چگونه است؟ برای پاسخ گویی به این پرسش نمونه ای به تعداد ۱۰۶ شرکت تایید شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. از آنجایی که هدف تحقیق حاضر، دستیابی به یک هدف عملی در راستای یکی از مهم ترین مباحث موجود در بازارهای مالی است، از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می آید. از طرفی با توجه به بررسی ارتباط چند متغیر با یک دیگر به صورت آماری از نوع توصیفی- همبستگی می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده متغیرهای حاکمیت راهبری در این تحقیق از پایگاه داده اعضای مدیریت استخراج شده است. ابتدا اندازه هیئت مدیره براساس لگاریتم طبیعی اندازه کل مدیران خدمت در ساختار اعضای شرکت اندازه گیری می شود. در ادامه استقلال اعضای هیئت مدیره براساس تعداد مدیران غیراجرایی از تعداد کل مدیران اعضای شرکت انتخاب و تقسیم بندی می شود. و در بخش آخر قدرت مدیرعامل از طریق متغیرهای مصنوعی اندازه گیری می شود و اگر رئیس و مدیر عامل همان شخص باشد، عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر را می گیرد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که متغیر اندازه هیات مدیره تاثیر منفی و معنادار بر ریسک دارد به طوری که یک واحد افزایش در این متغیر ریسک را به میزان ۰/۰۰۸ واحد کاهش می دهد، متغیر استقلال هیات مدیره تاثیر منفی و معنادار بر ریسک دارد به طوری که یک واحد افزایش در این متغیر ریسک را به میزان ۰/۰۰۳ واحد کاهش می دهد و متغیر دوگانگی مدیرعامل تاثیر منفی و معنادار بر ریسک دارد به طوری که یک واحد افزایش در این متغیر ریسک را به میزان ۰/۰۰۲ واحد کاهش می دهد.

کلید واژه: ساختار هیئت مدیره، ریسک پذیری شرکت، بورس اوراق بهادار، حاکمیت راهبری.